



عالم عارف و قبیله فرزانه، حضرت آیه‌الله حاج سیدعباس کاشانی، آخرین یادگار عارف کبیر، حضرت آیه‌الله حاج سیدعلی قاضی طباطبایی ندرسر، پس از عمری مجاهدت علمی، معنوی و خدمت خالصانه به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام، دارفانی را وداع گفت و به دیار ملکوت شتافت.

به گزارش مرکز خیر حوزه، این عالم وارسته که به علت بیماری در بیمارستان خاتم‌الانبیاء تهران بستری شده بود، روز یکشنبه ۲۷ تیرماه ۱۳۸۹ برابر با ۶ شعبان‌المعظم ۱۴۳۱، در این بیمارستان به لقاءالله پیوست.

پیکر پاک علامه کاشانی روزشنبه ۲۹ تیرماه با حضور هزاران نفر از ارادتمندان روحانیت و معنویت در قم از مقابل مسجد امام حسن عسکری ^{علیه‌السلام} به سمت حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه ^{سلام‌الله‌علیها}تشیع و پس از اقامه نماز به امامت آیه‌الله‌العظمی وحید خراسانی، در یکی از رواق‌های صحن بزرگ حرم مطهر به خاک سپرده شد.

مصدق بارز امانه الرسل

در پی این ضایعه اسفناک، رئیس‌جمهور با صدور پیام تسلیتی، رحلت این عالم و عارف بزرگ را تسلیت گفت. در این پیام آمده است:
ادامات العالم نلم فی اللاسام نلمه لالیسدهاشئ
خبر رحلت عالم و عارف بزرگ حضرت آیه‌الله عالم سید عباس حسینی کاشانی، مایه تأسف و تألم فراوان گردید. ایشان به راستی مصداق بارز «العلماء امانه الرسل» بوده که نقشی مؤثر در تبیین و تبلیغ اسلام ناب محمدی ^{صلی الله علیه و آله} ایفا نمود و در عین حال، به عنوان عارفی وارسته، از مسیر کمال انسانی و ترویج صفات الهی در جامع کربلا برمی‌داشت. با تسلیت درگذشت این عالم ربانی به ساحت مقدس حضرت جنت‌الرحمن ^{صلی‌الله‌تعالیه‌ علیه‌السلام}، مقام معظم رهبری، عموم ملت شریف ایران، حوزه‌های علمیه و به‌ویژه بیت شریف ایشان، برای بازماندگان صبر جمیل و برای آن عالم بزرگوار علو درجات مسئلت می‌نمایم.

علامه کاشانی عمر خود را

در ترویج معارف اسلام سپهری نمود

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران نیز در پیامی، ارتحال عالم ربیبی، حضرت آیه‌الله حاج سیدعباس کاشانی ندرسر، را تسلیت گفت. در این پیام آمده است:
ارتحال عالم عامل، مرحوم مغفور حضرت آیه‌الله علامه سیدعباس کاشانی ^{رحمه‌الله‌یه} که عمر پربرکت خود را در راه تحقیق و تدبیر در منابع فقهی و نشر معارف حقه در شیخی سبزی کرد، ثلثمای جویران‌ناپذیر است که به بخشی از این پیام با اشاره به این‌که علامه کاشانی آخرین شاگرد مرحوم حضرت آیه‌الله قاضی بودند و از محضر پرفیض آن عالم جلیل‌القدر بهره‌مند برده‌اند، خاطرنشان شده است:
این عالم ربانی، عمر شریف خود را در تهذیب نفس و ترویج و گسترش معارف و فرهنگ اسلامی سپری نمود و سال‌ها امامت جماعت صحن مقدس حضرت اابعبدالله الحسین ^{علیه‌السلام} را برعهده داشت. هم‌چنین کتاب‌های دست‌نویس بسیاری از این عالم فقید بیجا مانده‌است که بی‌شک از ذخایر ارزشمند فقه جعفری به حساب می‌آیند. در ادامه این پیام، با یادآوری تلاش‌های این عالم فقید در رفع مشکلات مردم، تصریح شده است:
ایشان ارتباطات مردمی گسترده و اهتمام در برطرف ساختن مشکلات آنان به‌ویژه مستمندان جامعه داشت که باعث انس و الفت میان اقشار مختلف مردم با آن فقیه مجاهد شده بود. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران در پایان این پیام، این ضایعه بزرگ را به محضر حضرت ولی‌عصر ^{عجل‌الله‌تعالیه‌ علیه‌السلام}، رهبر معظم انقلاب اسلامی، شاگردان و خانواده آن عالم جلیل‌القدر و همه دوست‌داران ارزش‌های الهی و انسانی تسلیت گفته و برای آن مرحوم علو درجات از خداوند منان مسئلت نموده است.

مؤلف بیش از ۲۶۰ جلد کتاب

مراسم یادبود این عالم ربانی نیز، شامگاه سمنشنبه ۲۹ نیز با حضور آیه‌الله‌العظمی وحید خراسانی، آیه‌الله امینی، مسئول دفتر مقام معظم رهبری در قم، نمایندگان بیوت مراجع عظام تقلید، علما و جمع کثیری از مردم، در مسجد اعظم قم برگزار شد. در این مراسم، حجة‌الاسلام و المسلمین صادقی، حضرت آیه‌الله سیدعباس کاشانی ندرسر، را نمونه بارز یک انسان خوش خلق بیان کرد و گفت: همواره درب خانه آن مرحوم به روی مردم باز بود، و یا هر شخصی حاضر بود درباره علوم اهل‌بیت علیهم‌السلام و یا مسابلی دیگری به‌گفت‌وگو بنشیند. وی با بیان این‌که علامه سیدعباس کاشانی ندرسر، خصلت خوش خلقی را از جد بزرگوارش، پیامبرمکرم اسلام ^{صلی الله علیه و آله} به ارث برده بود، گفت: حضرت خاتم‌الانبیاء ^{صلی با وجود تمام مصیبت‌های آغاز}



وداع ارادتمندان روحانیت و معنویت با حضرت آیه‌الله سید عباس کاشانی (ره)

رسالت خویش، بردبار و صبور بودند. سخنران این مراسم، با بیان این‌که دوست داشتن پیامبراسلام ^{صلی الله علیه‌السلام} و اهل‌بیت علیهم‌السلام، نعمتی بسیار بزرگ است، گفت: حضرت آیه‌الله سید عباس کاشانی ندرسر، به دلیل حب بالایی که نسبت به خاندان عظیم‌الشان پیامبر اسلام ^{صلی الله علیه‌السلام} داشت، این سعادت نصیب او شد که سال‌های زیادی امام جماعت حرم ملکوتی حضرت اابعبدالله‌الحسین ^{علیه‌السلام} باشد. وی افزود: محبت به پیامبراسلام ^{صلی الله علیه‌السلام} و اهل‌بیت علیهم‌السلام سرمایه ارزشمندی است، چرا که هرکس در این دنیا هرچه را دوست بدارد در قیامت با آن محشور خواهد شد. حجة‌الاسلام والمسلمین صادقی گفت: حضرت آیه‌الله سید عباس کاشانی ندرسر، عالم والقمایی بود که عمر پربرکت خود را در راه کسب اجتهاد و فقاہت گذراند و در طول زندگی از محضر علمای بنام جهان تشیع، مخصوصاً در حوزه علمیه نجف بهره برده بود و جمله اساتید ایشان می‌توان از حضرات آیات مرحوم میلانی، خوئی، شاهرودی، قاضی طباطبایی، حکیم و … نام برد. وی با اشاره به آثار علمی این عالم فقید، اظهار داشت: بیش از ۲۶۰ جلد کتاب توسط این عالم ربانی تألیف شده است، که تعدادی از آن‌ها به چاپ رسیده و مابقی در آئیندهای نزدیک به نحوی شایسته برای استفاده عموم اهل علم و فقاہت، چاپ می‌شود.

مسیر خدمت به جامعه را بیایم

مراسم هفتمین شب درگذشت حضرت آیه‌الله سید عباس کاشانی ندرسر، شامگاه شنبه دوم مردادماه ۱۳۸۹، با سخنرانی نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در مسجد رفعت قم برگزار شد. حجة‌الاسلام والمسلمین ابوترابی‌فرد گفت: در این مراسم اظهار داشت: یکی از حقایق بلند که در معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام به زیبایی به آن پرداخته شده است و علمای تربیت‌یافته این مکتب هم در سخن و کلام و سیر و سلوک خویش بر آن تأکید نموده‌اند، مسئله عبودیت و بندگی ذات اقدس حق است. وی ادامه داد: انسان‌هایی که دل آنان به نور معرفت‌الله نورانی گردیده است و از چشمه زلال معارف قرآن و عترت، با عقل و اندیشه و عمل صالح نوشیده‌اند، در حیات خویش بر یک واژه تأکید داشتند و آن، عبودیت و بندگی ذات اقدس حق است. نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی افزود: بلندترین مرتبه و تنها نردبان رسیدن به این کمال، برتن نمودن لباس بندگی است. به همین دلیل است که رسول مکرم اسلام ^{صلی الله علیه و آله} لباس بندگی بر تن کرد و رسالت ایشان ثمره رسیدن به عالی‌ترین مقام عبودیت است. وی خاطرنشان کرد: عرفای تربیت‌یافته در مکتب قرآن، در طول زندگی خویش، جز بر رسیدن به مقام عالی عبودیت تأکید نمی‌کردند؛ برای نمونه می‌توان به امام راحل اشاره کرد که می‌فرمود: «انسان باید ذلت عبودیت را بکشد تا به عزت ربوبیت ارتقا یابد.»

والمسلمین ابوترابی‌فرد افزود: علمای عرصه فقه و فقاہت، بر عبادتی اصرار می‌ورزند که با عبادت عامه مردم و حتی خواص جامعه متفاوت است؛ عبادتی که اهل معرفت جویای آن‌اند، عبادت نشأت‌گرفته از معرفت‌الله و آمیخته با مراتب عالی معرفت است. وی یادآور شد: این مکتب، تربیت‌کننده آیه‌الله قاضی‌ها و آیه‌الله‌العظمی بهجت‌هاست که زندگی آنان تجسم این حقیقت بود که آن‌را جز در مقام بندگی نمی‌دیدیم، چرا که جز این هم نمی‌اندیشیدند و دریافته بودند که در راه بندگی خدا شیرینی‌های فراوانی وجود دارد، که به‌مراتب از جاذبه مال و مقام برتر است.

نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به سخنی از رسول اکرم ^{صلی الله علیه و آله}، مبنی بر این‌که «بالاترین انسان‌ها، بندهای است که عشق به عبادت و بندگی داشته باشد»، گفت: ریشه مکتب عبودیت را شاگردان مکتب آیه‌الله قاضی طباطبایی ندرسر، با پیروی از استاد خویش که او از قرآن یافته بود، در «یافتن حقیقت نماز» می‌دانستند. وی به‌سخن آیه‌الله‌العظمی بهجت گفت: ترجمانی از سخن حضرت آیه‌الله قاضی است، اشاره کرد و گفت: سعادت دنیا و آخرت انسان، در ارتباط با خدا معنا پیدا می‌کند؛ بنابراین برای رسیدن به این رابطه باید به نماز راه یافت و نماز را آن‌گونه که زیننده انسان صالح است، اقامه نمود. حجة‌الاسلام والمسلمین ابوترابی‌فرد اظهار داشت: اصلاح رابطه با خدا، به اصلاح نماز است؛ و اصلاح نماز، به خشوع در آن است؛ و خشوع در نماز، به ترک لهو‌است. باید دانست که اگر انسان به حقیقت بندگی راه یافت، لهو و لعب در زندگی او راه ندارد. وی گفت: هر انسانی، به همان مرتبه‌که در راه اصلاح

خویش گام بر می‌دارد، می‌تواند منشأ اصلاح جامعه باشد. نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی، با اشاره به سخنی از حضرت آیه‌الله‌العظمی بهجت ندرسر، گفت: عالمانی که زندگی خود را در راه عبودیت حق گذرانده‌اند، حتی نمی‌توانند تفکر ظلم را به ذهن کسی ظلم کنند. وی گفت: وقتی اوراق زرین زندگی سعادت‌آفرین و عزت‌بخش عالم عامل و عارف بلندمرتبه، آیه‌الله سید عباس کاشانی ندرسر، را ورق بزنیم، مشاهده می‌کنیم که ۲۰ جلد تفسیر قرآن کریم را که برای دیگران تدوین می‌کند، در راه عبودیت و بندگی خداست، نه اظهار علم به مخلوق خدا و شاید به خاطر همین عبودیت و بندگی است که می‌گوید: «بعد از مرگ من این اثر را چاپ کنید.» حجة‌الاسلام والمسلمین ابوترابی‌فرد خاطرنشان کرد: باید مسیر بندگی و عبودیت حق را پیموده و در این مسیر، راه خدمت به جامعه را بیاییم و والد مسیر انعکاس تجلی معرفت‌الله به جامعه و دستگیری از بندگان خدا، مراتب قرب را در پیام، یکی دیگر از ویژگی‌های آیه‌الله سیدعباس کاشانی ندرسر، دستگیری از بندگان و خلق خدا و توجه ویژه به مکتب شاگردان امام صادق ^{علیه‌السلام} بود، که در زندگی عالمان الهی همانند ایشان نیز موج می‌زند.

اشاره:

عالم عارف، حضرت آیه‌الله حاج سیدعباس حسینی کاشانی ندرسر، در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی و هم‌زمان با سالروز ولادت با سعادت پیامبر اعظم ^{صلی الله علیه و آله} متولد شد و در حوزه‌های علمیه مشهور کربلا و نجف به کسب معارف دینی همت گماشت که البته در زمان صدام حسین به دستور وی از عراق اخراج شد. ایشان در سن ۱۸ سالگی به درجه اجازت رسید و در سن ۲۰ سالگی از محضر عارف کبیر مرحوم حضرت آیه‌الله قاضی ^{رحمه‌الله‌علیه} بهره برد. این استاد اخلاق و عرفان، از محضر بزرگان دیگری هم چون حضرات آیات عظام میلانی و خوئی ^{رحمه‌الله‌علیهم} نیز کسب فیض کرد. حضرت آیه‌الله کاشانی ندرسر، در طول عمر با برکت خود کتب بسیاری را به رشته تحریر درآورد و بیش از ۲۶۰ کتاب دست‌نویس از ایشان موجود است. «مصباح الجنان» از جمله کتاب‌های مشهور این عالم فقید است که در سه کشور ایران، کویت و لبنان چاپ و منتشر شده است.

مصاحبه‌ای خواندنی

پایگاه اطلاع‌رسانی مرحوم حضرت آیه‌الله سیدعباس کاشانی ندرسر، در گفت‌و شنودی با معظله، نظرات و خاطرات این عالم ربانی را در مورد خاندان، تحصیلات و اساتیدشان جویا شد است.

قسمت‌هایی از این مصاحبه خواندنی، تقدیم خوانندگان ارجمند افق حوزه می‌شود.



حضرت آیه‌الله، ضمن سپس از موافقت شما برای انجام این مصاحبه و نهایتاً انتشار آن، به عنوان اولین سؤال به معرفی اجداد خود برآوردید و توضیحاتی در باب خانواده پدری و مادری خودتان و دوران کودکی بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

در پاسخ به سؤال شما، از بیت جلیل‌القدر روحانیت که در کتاب‌ها مضبوط و مثبت است، هم از طرف پدر و هم از طرف مادر؛ جد مادری ما که از اکابر عظامای شیعه بودند، من دوست ندارم بگویم حقیقتاً هم دوست ندارم، اما شما کتاب‌های تراجم شیعه را ببینید، کتاب‌های رجال را ببینید، همگی مفضلاً از این عالم بزرگ و از شرح حالات ایشان گفته‌اند. من تصور می‌کنم چون منتسب به این بیت هستم، متعزیر نکم؛ بهتر است، اما برای آن‌که برسیدید پاسخی بدهم، جد مادری من مرحوم آیه‌الله آسید محمدصادق اصفهانی هستند که در تخت فولاد اصفهان مقبره‌ای دارند و زیارت مورد زیارت دوستداران هستند و مقبره ایشان معروف به خاتون آبادی است و با توجه به این که ایشان کاملاً برای دوست‌داران شناخته شده‌اند، ترجیح می‌دهم به جای تعریف از ایشان، یادای یکسای نوه دیگر ایشان که واقعأ مظلوم و ناشناخته بودند،



و اما خودم در ۱۷ ربیع‌الاول سال ۱۳۵۰ هجری قمری متولد شدم، همان‌طور که مرسوم بوده، پشت قرآن هم پدرم آن‌را نوشته بود و آن قرآن‌اللان پیش من است. ۱۰ سال از عمرمان نگذشته بود که به امر والدمان جزو طلب شدیم. آن روزها مرسوم بوده که طلبه‌های ۱۰ تا ۱۴ ساله زیاد باشند؛ اکثرشان هم از اکابر و فقیها شدند. در همان سن سیدمحمدحسین شهرستانی که ایشان در ۱۴ و ۱۵ سالگی مجتهد مسلم بود؛ و از استاد بزرگشان آیه‌الله‌العظمی اردکانی اجازه اجتهاد داشت که در این اجازنامه به صراحت از ایشان به عنوان اغویحه دهر و فیلسوف زمان یادشده بود. خیلی مهم است که در ۱۴ سالگی این‌گونه باشد و از این موارد زیاد بود، به‌ر حال حد فاصل ۱۰ تا ۱۲ سالگی در کربلا تحصیل می‌کردم که والد ماجد ما آیه‌الله سیدعلی‌اکبر حسینی کاشانی در اثر سکنه رحلت کردند و من هم به والده اصرار کردم که اجازه دهند بروم نجف، اما ایشان قبول نمی‌کرد و زمان را مناسب نمی‌دانست. بااین‌بارها اصرار زیاد در ۱۳ سالگی به سامرا رفتم. آن روزها بعد از نجف، سامرا محل علمی بود. در زمان حضرت آیه‌الله‌العظمی آقا سید ابوالعظیم اصفهانی ندرسر، که در عالم روحانیت نظیر ایشان خیلی کم بود، گرچه ناشناخته بودند. بهر حال ندانستن مردم دلیل بر عدم واقع نیست و از ایشان هم مردم کم می‌دانند، این حرف را ضمناً آقای گلپایگانی ^{رحمه‌الله‌علیه} هم تأیید کرده‌اند و به خودم گفتند: «تا پیش از اخراج علما از نجف، مجموعه‌ای بودند در رأس آن‌ها دو عالم بزرگوار، میرزای نائینی و آسیدابوالحسن ندرسر.» به هر حال دو سال در سامرا بودم و با عنایت خداوند متعال و الطاف مقدس حضرت بقیة‌الله حضرت مهدی ^{روح‌القدس‌علیه} در حدی شدم که اگر از من چیزی می‌پرسیدند، می‌توانستم پاسخ دهم.

آیه‌الله اصفهانی (خاتون‌آبادی) جد مادری‌تان چند فرزند داشتند؟

چهار دختر، یکی والده مرحوم دکتر بهشتی یکی هم والده من، دو دختر دیگر ایشان هم به همری تاجار بازار درآمنند، پس‌هم نداشتند.

راجع به جد پدری‌تان توضیح دهید؟

ایشان از مراجع بزرگ امامت بود، جناب آسید محمدمهدی که شاگرد میرزای شیرازی بود و بسیاری از کتب ایشان هم در کتابخانه من موجود است، کتاب‌هایی در فقه، اصول و فلسفه؛ ضمن این‌که از شاگردان ایشان بسیاری هم از مراجع تقلید شدند؛ پدر من هم شاگرد ایشان بود.

جد شما در نجف ساکن بود؟

بله در نجف بود.

آقای خاتون‌آبادی چطور؟

ایشان هم نجف بود.

پدر و مادران چطور؟

نه؛ ایشان در کربلا ساکن بودند.

شما فرزند اول بودید؟
خیر؛ چهار فرزند از مادر من بود، سیدمحمد، من، سیدحسین و یک دختر. همشیره‌ام و من هنوز در قید حیاتیم. جا دارد از سیدمحمد هم یادای کنم که درس می‌خواند و سید فاضلی بود، اما در اوایل جوانی از دنیا رفت؛ اگر می‌بود، یک ملأی حسابی بود. اما از مادرم بگویم که باطنی بزرگ داشت. همیشه از خدا می‌خواستیم در قم رحلت نکند و شرایطی پیش آید که در نجف به نجف خدای پروند، زیرا در قم پیش ایشان را کسی نمی‌شناخت و ممکن بود شأن ایشان رعایت نشود، اما خواست خدا بود که ایشان در قم وفات کند. اتفاقاتی افتاد که بر من مسجل شد ایشان و پدرشان نزد خدا عزیزند، چون به قدری شلوغ شد و به قدری از بزرگان و علما در مجلس ترحیم ایشان شرکت کردند که خدوم راضی شدم و جالب این‌که امام خمینی ندرسر، تأکید و پیگیری کردند تا مقبره آبرومندی هم در حرم تهیه شد که اگر می‌خواستیم خریداری کنیم، به هیچ وجه در توان ما نبود.

مرحوم آیه‌الله سیدابوالقاسم کاشانی هم پاشما نیستی داشتند؟

این قدر شما سراغ نسب ما را می‌گیرید، من رضایت ندارم. بیایید برای شما خاطره به‌یادماندنی از شیخ عباس قمی بگویم، که خودم او را دیدم با لباس مندرس، عمامه‌ای که به جرأت من گویم ۲ متر نبود، با عصایی از چوب خرما که حتی تراشیده نشده بود، لباس‌های ژنده اما تمیز و صورتی نورانی، چنان نورانی بود که حد نداشت. در همان کتاب‌فروشی که ملاقاتشان کردم، اتفاقاً در حضور خودشان هر چه مفتاح بود را فروختند و خریدار در حالی‌که با حرارت از نویسنده‌اش تعریف می‌کرد، ایشان را روبروی خود می‌دید و نمی‌شناخت! این صحنه، اثرات عجبیی در من گذاشت. اما در مورد آیه‌الله ابوالقاسم کاشانی؛ ایشان پسر عموی ما بودند، اولاً خیلی ملأ بود و اگر در سیاست وارد نمی‌شد، یکی از متکلمین بزرگ می‌شد، چون ایشان شاگرد آخوند خراسانی بود و در درس ایشان زیاد اظهار مطلب می‌کرد یا به قول امروزه‌ها شلوغ می‌کرد. آقا ابوالقاسم، به تمام معنا یک آقا‌زاده بود. پدرش آیه‌الله‌العظمی آسید مصطفی کاشانی، مرجع تقلید بزرگی بود که در حرم حضرت موسی بن جعفر ^{علیه‌السلام} یک اتاق دارد. خودشان هم در حرم حضرت عبدالعظیم ^{کنار ناصرالدین‌شاه دفن است}. علمش زیاد بود، اما وارد سیاست شد. کل دنیا را هم گشت، وقتی به نمایندگی تهران منصوب شد، از تبعید لبنان به ایران وارد شد، ساعت ۱۱ صبح آقا از هواپیما پیاده شد، غروب به خانه رسید؛ بس که مستقبیلن ایشان زیاد بود. اما سیاست با همین آقا آغاز کرد که زمانی تک و تنها می‌رفت و دوباره به عزت رسید و عظمت یافت، و زمانی‌که به رحمت خدا رفت، جنازش خیلی تکریم شد.

ارتباطی با ایشان داشتید؟

زیاده؛ هر وقت از کربلا می‌آمدم، منزل ایشان پیاده می‌شدم.

برگردید به دوران کودکی، از اساتیدتان در آن دوران بگویند؟

آن زمان طلبه‌های نجف در ۰۸، ۱۹ سالگی نهایت در ۲۱ سالگی فارغ‌التحصیل می‌شدند، من خودم اولین اجازه اجتهاد در آیه‌الله آشیخ محمد گرفتیم. استاد دیگر مرحوم آسیدحسن میرقزوینی از متکلمین درس آخوند خراسانی بود، جناب مرحوم آسید محمدطاهر بوشهری بحرانی این اساتید که نام بردم در کربلا بودند. در نجف هم مرحوم آسید کربلا حسین حمامی و امیرزا عبدالهادی شیرازی بعدها هم آقای حکیم و در آخر منحصراً شد به درس آقای خوئی، به‌هرحال ۲۵ سالم بود که جانشین پدرم در امامت کربلا که مولوی نامی بود و به‌رحمت خدا رفته بود شدم و گویابر سر جانشینی او بین دودسته اختلاف افتاد، دسته سومی هم مرا معرفی کردند که تا حدود ۳۱ سال امامت جماعت کربلا را برعهده داشتیم، خواست خدا بود که از روز سوم به بعد هم بسیار شلوغ شد، تا این‌که این یاغی طاغی (صدام) ما را به ایران تبعیدکرد.

فهرست برخی از آثار:

الروضان فی تفسیرالقرآن (۳۰ جلد)/ معجم اعلام‌الشیعہ (۱۱۰ جلد)/ العوت/المطایبات/عجائب المخلوقات/ حقائق الناس (۵ جلدی عربی و فارسی)/ منهاج‌الحجاج/ الرضا/ الترجمة تقويم‌الشیعہ/ الامامة عندالشیعہ/ مصابیح‌الجنان: ادعیه و زیارات (اجلدی عربی و فارسی)/ الترجمة مصابیح‌الجنان/ منهاج‌الجنان : الادعیه والممارسة الکاملة لشهر رمضان (اجلدی عربی)/ دلیل‌الصائم/ الخمس/ الزکات/ الاحتکاک فی‌الاسلام/ عقائدالشیعہ/ فلسفه‌الحکام/ مشکول‌کاشانی/ طبقات‌العلماء و هی موسوعه کبری (در چندین جلد)/ ریاض‌الناس (اجلد۱)/ المحزان/ فرائض‌الاسلام/ ارشاد اهل‌القبلة/ التوفیر الکوفه (التوجه من اهل القبلة): مدینة النضرین -- المساجد والارواق/ اسم‌العینة (اجلد۱)/ تقویم العشر‌الشعیة: فی‌الایام والشهور/ البشائر والعفران: ادعیه و فضائل نصف شعبان/ موجز احکام‌الصوم/ الصیام فی‌الاسلام/ الارشاف علی مسائل الاعتکاف/ اعرف احکام دینک/ توضیح‌الشکوک/ حکذالصلاة/ الاسلام فی اصوله و فروعہ/ شذرات من اصول‌الاسلام/ دلیل‌العاکف/ رسالة‌الصیام/ حقائق عن‌الاسلام/ التقصید‌العولویة/ المساجلات/ احکام‌الشکوک/ الشیعہ/ ارشادالشیعہ/ احکام‌النساء/ الاخلاق/ المسائل‌الفقهیة/ اصول‌الاجتهاد/ الحجاب والتبرج/ الجهاد فی‌الاسلام/ الریا فی‌الاسلام/ احکام‌الشرعیة فی سبب‌الشیعہ/ المنطق/ اصول‌الفقه/ فقه‌الشیعہ/ مدیه خلفاء‌السوس/ الاخلافة فی‌الاسلام/ عقیلة‌الوحی زینب‌الکبری ^{علیها‌السلام}/ رسالۃ فی‌الاسلام/ الشجرۃ المبارکة/ انوارالدبر فیما یعلق احکام‌الوقف/ المعاملات فی‌الاسلام/ اللقیة فی‌النحو/ اللقیة فی‌الفقه/ قیسات فی ادب‌العرب/ قیسات فی ادب‌العربی/ الشجرۃ المبارکة/ انوارالدبر فیما یعلق لبالی‌القدر/ القصاص فی‌الاسلام/ احکام‌الوقف الذری/ حلیة‌المرتیلین فی تجویدالقرآن‌المبین/ ضیاءالعین فیما یعلق بمولی‌الکونین امام حسین ^{علیه‌السلام} تحفه عباسی/ منتخب تقویم‌الاسلام/ اخلاق عندالشیعہ/ ابوطالب‌والاسلام/ لؤلؤ و مرجان با اعمال شب نیمه شعبان/ منتخب مصابیح‌الجنان.

حضرت آیه‌الله مشکینی



تواضع

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

تواضع از فضائل و خصوصیات اخلاقی انسان است که به ظاهر خیلی آسان، ولی مطلب مهمی است. امام صادق ^{علیه‌السلام} در روایتی به چند مورد از موارد تواضع اشاره فرمودند:
التواضع ان ترض بالمجلس دون المجلس؛ وقتی وارد محفلی می‌شوید به فکر این نباشی که کجا بنشینی. از نشستن در پایی مجلس باکی نداشته باشید، چراکه آن از علانم تواضع است. و ان تسلّم علی من تلقی؛ یکی دیگر از نشانه‌های تواضع سبقت در سلام کردن است. در اوایل دوران طلبگی‌ام در مدرسه فقیهیه، عالمی جلیل‌القدر به من سلام گرمی کردند که هنوز در ذهن مانده و برابم درس شده است و بعدها متوجه شدم که ایشان آیه‌الله آخوند مهدانی هستند که در شمار بزرگان علما و مجتهدین قرار دارند. من خودم هیچ‌وقت نتوانستم در دوران طلبگی‌ام در سلام‌کردن بر شهید آیه‌الله صدوقی پیشی بگیرم. طبق فرمایش امام معصوم ^{علیه‌السلام} این سبقت در سلام‌کردن از آثار تواضع است. سوم، و ان ترک المراء؛ از آثار تواضع این است که وقتی حرف حقی زده شد، آن را بپذیریم و نیز اگر حرف حقی زدید و مخاطبین آن را قبول نکردند، لجاجت و مراء نکنید، بلکه بگذرید. برخی از افراد در قبول حرف دیگران لجاجت می‌شوند. فکفته می‌شود: این مطلب این‌طور است، ولی لجاجت می‌ورزد و حرف حق را رد می‌کند و هرچه اثبات کنید، قبول نمی‌کند.

علامت چهارم تواضع، و ان کنت محقاً ولاتحب ان تحمد علی التقوی، این‌که شخصی دوست نداشته باشد او را تعریف و تمجید کند؛ برعکس، بعضی‌ها خیلی دوست دارند از آن‌ها تعریف شود، جایی که اگر به دروغ تمجید کنند، خوشش می‌آید ولی نداشتند باشد! پیامبر گرامی اسلام ^{صلی الله علیه و آله} فرمودند: اگر کسی تو را به دروغ تعریف می‌کند، یک مشت خاک بگیر و به صورتش پاشش. و نیز از امام صادق ^{علیه‌السلام} روایت شده است که اگر کسی تو را تعریف کند، در واقع تو را بدون چاقو سر بریده است. ریشه صفت تواضع، بی‌رغبتی به دنیاست، که یکی از والاترین صفات انسانی می‌باشد.

زهّد دو رتبه دارد که مهم‌ترین آن، زهد واجب است؛ و زهد واجب آن است که نسبت به کارهای حرام بی‌رغبت باشیم، حرام به جا نیاوریم و سخن حرام، نوشیدن و پوشیدن حرام، منصب و صندلی حرام و درآمد حرام نداشته باشیم. از نبی مکرم اسلام ^{صلی الله علیه و آله} روایتی منقول است که خداوند در روز قیامت، که خیلی سخت و دشوار است، یک سائبانی می‌زند و ندا می‌دهد که هفت طایفه می‌توانند از آن استفاده کنند: سبعة یظلمهم الله عزوجل فی ظلة یوم لازل الازله، یکی از آن هفت طایفه کسانی هستند که قدرت انجام حرام را دارند، ولی آن را ترک کرده و برای خدا عقب می‌کشند: رجل دعت امرأة ذات حسب و جمال فقال انی اخاف الله، خداوند چنین شخصی در آن روز سخت زیر آن سایه می‌رود. شما نیز از این‌گونه انسان‌ها باشید و امید است که شما این زهد واجب را پیدا کنید!

پروردگارا، توفیق مرحمت بفرما تا خودمان را جزو بندگان صالحت قرار بدهیم!

والسلام علیکم ورحمة‌الله و بركاته

«انسان از آغاز تا انجام» اثر علامه جوادی آملی

منتشر شد

دیدگاه حضرت آیه‌الله جوادی آملی پیرامون انسان، در قالب یکی از آثار مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی اسراء انتشار یافت. به گزارش مرکز خیر حوزه، کتاب «انسان از آغاز تا انجام» مجموعه‌مباحثی است که معظله طی جلسات فراوان و متنوعی که پیرامون انسان، تطورات آفرینشی او، خصایص و ویژگی‌های انسان هم‌چون کرامت، حریت، آزادیکی، اختیار و اراده، بیان داشته‌اند، تدوین و منتشر شده است. در این اثر مطالب ارزشمند فراوانی از جمله، «آفرینش انسان، جهان و جانیان»، «جایگاه آدم و حوا در انتقال نسل بشری»، «جنسیت در خلقت انسان»، «هدف خلقت انسان»، «تعریف انسان» و «فطرت و طبیعت»، «انسان خلیفة‌الله»، «جمال انسان» و «جایگاه اراده در رفتار انسان»، «آزادی انسان» و … تبیین شده‌است. این کتاب توسط مرکز پژوهش‌های علمی فرهنگ مؤسسه اسراء تهیه و تنظیم شده و از سوی مرکز نشر مؤسسه مستشرقان و در اختیار علاقه‌مندان به علوم وحیانی قرار گرفته است.
شایان ذکر است، علاقه‌مندان می‌توانند برای کتاب با شماره تلفن ۶۶۴۱۶۲۱ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایند.

حافظان قرآن کریم، مدرک دریافت می‌کنند

آزمون اعطای مدرک تخصصی به حافظان قرآن کریم در سه سطح ۱۰اجزو، ۲۰اجزو و کل قرآن کریم، جمعه اول مرداد هم‌زمان با سراسر کشور در مجتمع فرهنگی نور قم برگزار شد. مسئول برگزاری آزمون اعطای مدرک تخصصی به حافظان قرآن کریم، در گفت‌وگو با مرکز خیر حوزه، گفت: این آزمون سومین دوره برگزاری خود را پشت‌سر می‌گذارد و علاوه بر قم، هم‌زمان در تمامی استان‌های کشور برگزار می‌شود. حجة‌الاسلام عظیمی بیان داشت: حافظان قرآن کریم، که می‌خواهند کارت حفظ تخصصی قرآن کریم را دریافت کنند، در این آزمون شرکت می‌کنند. وی، در مورد جزئیات برگزاری این آزمون، گفت: این آزمون دومرحله‌ای است، که مرحله اول آن برگزار شد؛ کسانی که در این آزمون امتیازات کافی را کسب نمایند، در مرحله دوم که در شهروبرماه سال جاری برگزار خواهد شد، شرکت کرده و پس از آن اگر نمره لازم را کسب کنند، کارت تخصصی حافظان قرآن کریم برای آنان صادر خواهد شد. حجة‌الاسلام عظیمی در مورد تعداد شرکت‌کنندگان این آزمون در استان قم، اظهار داشت: تعداد ۲۱۰خواهر و ۵۰ برادر در آزمون اعطای مدرک تخصصی به حافظان قرآن کریم در استان قم شرکت کردند.

شرکت داوطلبان ۲۳ ملیت

در آزمون کارشناسی ارشد جامعه‌المصطفی

آزمون کارشناسی ارشد جامعه‌المصطفی‌العالمیه با شرکت ۳۶۴ داوطلب خواهر و برادر به صورت هم‌زمان در قم و مشهد برگزار شد. مدیرکل سنجش و پذیرش این مرکز در حاشیه این آزمون به خبرنگار مرکز خیر حوزه گفت: این آزمون با حضور داوطلبانی از ۲۳ ملت برگزار شد.
ابراهیم ملکی در خصوص رشته‌های این آزمون، ابراز داشت: فقه سیاسی، فقه قضایی، فقه عبادی، فقه خانواده، فقه و معارف اسلامی، اقتصاد، تفسیر، حدیث، علوم قرآن، کلام اسلامی، فلسفه اسلامی، عرفان اسلامی، حقوق جزا، ادبیات عرب، ادبیات قرآنی، مذاهب اسلامی، تاریخ تمدن، تاریخ اهل‌بیت علیهم‌السلام، تاریخ تشیع و تاریخ معاصر، رشته‌هایی می‌باشند که آزمون آن برگزار گردید. وی اهداف برگزاری این آزمون را توسعه و ارتقای سطح علمی و تخصصی طلاب، افزایش توانمندی آنان برای تبلیغ، آموزش، تربیت اساتید سطح عالی برای خارج از کشور و ایجاد زمینه ادامه تحصیل سطوح بالاتر دانست.

<div><div> </div></div>		<div><div> </div></div>
	<p>افق حوزو</p>	
	<p>فصل سمره</p>	
	<p>حضرت آیه‌الله مشکینی</p>	
	<p>تواضع</p>	
	<p>بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم</p>	
	<p>تواضع از فضائل و خصوصیات اخلاقی انسان است که به ظاهر خیلی آسان، ولی مطلب مهمی است. امام صادق ^{علیه‌السلام} در روایتی به چند مورد از موارد تواضع اشاره فرمودند: التواضع ان ترض بالمجلس دون المجلس؛ وقتی وارد محفلی می‌شوید به فکر این نباشی که کجا بنشینی. از نشستن در پایی مجلس باکی نداشته باشید، چراکه آن از علانم تواضع است. و ان تسلّم علی من تلقی؛ یکی دیگر از نشانه‌های تواضع سبقت در سلام کردن است. در اوایل دوران طلبگی‌ام در مدرسه فقیهیه، عالمی جلیل‌القدر به من سلام گرمی کردند که هنوز در ذهن مانده و برابم درس شده است و بعدها متوجه شدم که ایشان آیه‌الله آخوند مهدانی هستند که در شمار بزرگان علما و مجتهدین قرار دارند. من خودم هیچ‌وقت نتوانستم در دوران طلبگی‌ام در سلام‌کردن بر شهید آیه‌الله صدوقی پیشی بگیرم. طبق فرمایش امام معصوم ^{علیه‌السلام} این سبقت در سلام‌کردن از آثار تواضع است. سوم، و ان ترک المراء؛ از آثار تواضع این است که وقتی حرف حقی زده شد، آن را بپذیریم و نیز اگر حرف حقی زدید و مخاطبین آن را قبول نکردند، لجاجت و مراء نکنید، بلکه بگذرید. برخی از افراد در قبول حرف دیگران لجاجت می‌شوند. فکفته می‌شود: این مطلب این‌طور است، ولی لجاجت می‌ورزد و حرف حق را رد می‌کند و هرچه اثبات کنید، قبول نمی‌کند.</p>	
	<p>علامت چهارم تواضع، و ان کنت محقاً ولاتحب ان تحمد علی التقوی، این‌که شخصی دوست نداشته باشد او را تعریف و تمجید کند؛ برعکس، بعضی‌ها خیلی دوست دارند از آن‌ها تعریف شود، جایی که اگر به دروغ تمجید کنند، خوشش می‌آید ولی نداشتند باشد! پیامبر گرامی اسلام ^{صلی الله علیه و آله} فرمودند: اگر کسی تو را به دروغ تعریف می‌کند، یک مشت خاک بگیر و به صورتش پاشش. و نیز از امام صادق ^{علیه‌السلام} روایت شده است که اگر کسی تو را تعریف کند، در واقع تو را بدون چاقو سر بریده است. ریشه صفت تواضع، بی‌رغبتی به دنیاست، که یکی از والاترین صفات انسانی می‌باشد.</p>	
	<p>زهّد دو رتبه دارد که مهم‌ترین آن، زهد واجب است؛ و زهد واجب آن است که نسبت به کارهای حرام بی‌رغبت باشیم، حرام به جا نیاوریم و سخن حرام، نوشیدن و پوشیدن حرام، منصب و صندلی حرام و درآمد حرام نداشته باشیم. از نبی مکرم اسلام ^{صلی الله علیه و آله} روایتی منقول است که خداوند در روز قیامت، که خیلی سخت و دشوار است، یک سائبانی می‌زند و ندا می‌دهد که هفت طایفه می‌توانند از آن استفاده کنند: سبعة یظلمهم الله عزوجل فی ظلة یوم لازل الازله، یکی از آن هفت طایفه کسانی هستند که قدرت انجام حرام</p>	